درس 45

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
دانيال
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد چه آموخته‌ايد (دانيال 2، 3، 4، 6)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: روميان
مرور: دو به دو مرور كنيد. روميان 13:8.

4 تعليم (90 دقيقه)
ده باكره
مَثَل «داستاني است زميني با معنايي آسماني»؛ يا «توضيحي است مبتني بر امور واقعي زندگي به‌منظور تعليم حقيقتي روحاني.» عيسي از وقايع عادي و روزمره زندگي انسان استفاده مي‌كرد تا اسرار ملكوت خدا را روشن سازد و مردم را با واقعيت وضعيتشان و نيازشان به احيا روبرو سازد.
اين مثل را با استفاده از شش رهنمود مربوط به مطالعة مثل‌ها (ر.ش. ضميمه 1) بررسي خواهيم كرد.

قرائت: متي 25:1ـ13

1- درك داستان طبيعيِ مَثَل
مقدمه: مَثَل‌ها با زبان مجازي بيان شده‌اند تا مفهومي روحاني را تشريح كنند. از اين رو، نخست به بررسي واژگان و پيشينة فرهنگي و تاريخي داستان مي‌پردازيم.
بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟

الف) تصويري از مراسم عروسي يهودي. در كتاب‌مقدس، مراسم ازدواج، يك جشن مذهبي و اجتماعي بود. بعلاوه، يك جشن عمومي نيز بود . در كتاب‌مقدس، ازدواج، هرگز يك موضوع پنهاني نبوده، بلكه همواره رويدادي عمومي بوده است.
1) در زمانهاي قديم، «عهد و پيمان براي ازدواج» موضوعي مربوط به كل خانواده بود و شامل انتخاب شريك ازدواج (پيدايش 21:21)، بعضي اوقات دادن يك هديه به‌عنوان پيشكش يا جبران به خانوادة عروس (پيدايش 29: 18 و 34:12) و دادن هدايا به عروس و داماد مي‌گرديد (پيدايش 24:59 و 61 و اول پادشاهان 9:16).
2) مراسم عروسي يك رويداد عمومي بود.اين مراسم شامل چندين جزء به شرح ذيل مي‌شد. عروس و داماد جامه‌هاي عروسي مي‌پوشيدند (مزمور 45:13ـ14). ساقدوش‌ها يا دوستان داماد آنان را همراهي مي‌كردند (مزمور 45:14 و يوحنا 3:29). يك مراسم ازدواج (متي 25:1ـ14) و يك جشن ازدواج وجود داشت كه بعضي اوقات يك هفته طول مي‌كشيد (متي 22:1ـ14؛ يوحنا 2:1ـ10، داوران 14:17). مذهبي‌ترين و رسمي‌ترين قسمت مراسم عروسي، بستن پيمان ازدواج بود كه خود خدا به‌عنوان شاهد حضور داشت (ملاكي 2:14، امثال 2:17 و حزقيال 16: 8)! در طول قرنها، مسيحيان نيز مراسم ازدواج خود را بطور عمومي در حضور خدا، خانواده‌هايشان، دوستانشان و خواهران و برادران مسيحي خود انجام داده‌اند.
3) ازدواج تنها پس از مراسم عروسي كامل مي‌گرديد (پيدايش 29:21ـ23؛ تثنيه 22:13ـ21؛ عبرانيان 13:4).

ب) باكره‌ها. باكره‌ها چه كساني بودند؟ آيا آنها نديمه‌ها يا دختران دوستان يا همسايگان عروس بودند؟ جشنهاي عروسي در كجا انجام مي‌گرفت؟ در خانه عروس يا خانة داماد؟ وقتي كه خبر رسيد براي ملاقات داماد بيرون بيايند، باكره‌ها كجا بودند؟ آيا آنان در جايي بيرون در محيط باز، در امتداد جاده يا

درون يك خانه بودند؟ آيا آنان در خانة عروس بودند يا از قبل در خانة داماد بودند؟ وظيفه آنان چه بود؟ آيا آنان زماني كه داماد و دوستانش براي بردن عروس به خانة عروس مي‌آمدند، به ملاقات آنان آمده و سپس با يك مراسم با شكوه به خانه داماد باز مي‌گشتند؟ يا قبلاً همراه با عروس و همه ميهمانانِ دعوت‌شده در خانة داماد، منتظر رسيدن او بودند؟

در بهترين متون يوناني عهدجديد، نكته‌اي حاكي از اينكه در مراسم ورود، عروس با داماد بوده، به‌چشم نمي‌خورد. بنابراين قابل قبول‌تر است كه فرض كنيم عروس قبلاً در مكاني كه عروسي انجام مي‌شده حضور داشته است. عروس يا در خانة والدين خود و يا در خانة داماد بود. از آنجا كه حالت اخير متداول‌تر بود، ما فرض را بر آن مي‌گذاريم.

بنابراين، عروس و ميهمانانِ دعوت‌شده و ده دختر باكره، همگي در خانة داماد جمع بودند كه يا خانه جديد خود داماد بود يا خانة والدينش. همه چيز آماده بود، جز اينكه داماد هنوز نرسيده بود.

ج) آنان براي استقبال داماد بيرون رفتند. در آيه 1، اين عبارت، خلاصه‌اي از داستان مي‌باشد، براي اينكه آنان در واقع براي ملاقات داماد فقط در آيه 10 بيرون رفتند. اگر چه در اصل همه ده دختر قصد بيرون آمدن و ملاقات داماد را داشتند، اما به بيان دقيق‌تر، تنها پنج دختر دانا براي ملاقات داماد بيرون رفتند، براي اينكه پنج دختر نادان براي خريدن روغن رفته بودند.

د) مشعل‌ها. اين مشعل‌ها يا به‌عبارت دقيق‌تر چراغها، معمولاً از خاك رس ساخته مي‌شد. چراغ شامل يك مخزن براي روغن با سه سوراخ در بالاي آن؛ يكي براي ريختن روغن در آن، يكي براي خروج هوا و يكي براي فتيله بود. وقتي از اين چراغها در مراسم استفاده مي‌گرديد، مانند مشعل بوسيله تيركهاي چوبي بالا نگه داشته مي‌شد. اين چراغها را براي بار اول زماني روشن كردند كه آنان فريادي شنيدند كه داماد مي‌آيد.

ه) جشن عروسي. وقتي تمام گروه مشايعينِ مراسم عروسي به خانه رسيد، همه ميهمانان داخل شدند و در بسته شد. در اين نقطه، داستانِ مَثَل جدّي‌تر از شرايط طبيعي مي‌شود. زماني كه پنج دختر نادان رسيدند، ديگر خيلي دير شده بود و از ورود محروم گرديدند. در ميهماني معمولي عروسي، آنان از وارد شدن محروم نمي‌گرديدند. اما اين مثلي است از عيسي با پيغامي جدي. در داستان او، دَر بگونه‌اي غيرقابل بازگشت بسته شد! و داماد از تصديق اين امر كه ايشان را مي‌شناسد، امتناع ورزيد.

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيينِ عناصر آن

مقدمه: چارچوب شاملِ «زمينة» مَثَل و «توضيح يا كاربردِ» آن مي‌گردد. زمينة مثل ممكن است بيانگر اين نكته باشد كه مثل به چه مناسبتي گفته شده، يا اينكه شرايط به‌هنگام گفته شدن آن به چه صورت بوده است. زمينه معمولاً قبل از مثل يافت مي‌شود و توضيح يا كاربرد، بعد از مثل.

كشف و بحث: زمينه، داستان، و توضيح يا كاربرد مَثَل چيست؟

يادداشتها:

الف) زمينه مَثَل، مشابه مثل‌هاي قبلي است، يعني مَثَل درخت انجير و مثل غلام امين و شرير.

ب) داستان مثل در متي 25:1ـ12 يافت مي‌شود.

ج) توضيح يا كاربرد مثل در متي 25:13 يافت مي‌شود. پيام اصلي مَثَل اينست كه هشيار و پيوسته منتظر باشيم. چرا؟ زيرا هيچ كس از زمان يا ساعت بازگشت عيسي مسيح آگاه نيست (متي 24:36 و 42ـ44ـ50)! او بطور ناگهاني و غير منتظره خواهد آمد، شبيه يك دزد كه در شب مي‌آيد (اول تسالونيكيان 5:1ـ4).

3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل

مقدمه: قصد عيسي اين نبود كه تمامي جزئياتِ مَثَل‌هايش داراي مفهوم روحاني باشند. جزئياتِ مربوط يا اصلي در داستانِ مثل آن دسته از جزئيات هستند كه درس اصلي مثل را استحكام مي‌بخشند. بنابراين، نبايد براي هر يكَ از جزئيات مثل، معناي روحانيِ مستقلي قائل شويم.

كشف و بحث: كداميك از جزئياتِ اين مَثَل واقعاً اصلي يا مربوط مي‌باشند؟

يادداشتها:

اين مثل اغلب به‌واسطة تفسير تمثيلي، مورد سوء تعبير قرار گرفته است.

الف) تمثيلي كردن. بعضي از مفسران، اگرچه تعاليم خيلي ارزشمند ديگري نوشته‌اند، مفهومي تمثيلي از اين مثل مطرح كرده‌اند كه نمي‌توان از اين متن استنتاج كرد و در نتيجه بايد آن را رد نمود. براي مثال:

1) آگوستين (354ـ430 م.) اين مثل را اينگونه تفسير مي‌كند. عدد پنج مظهر روح در بدن است، زيرا روح از حواس پنج‌گانه استفاده مي‌كند. تنها راه ادراك از طريق حواس پنج‌گانه مي‌باشد. بنابراين هر كسي كه از ديدن، شنيدن، بوييدن، چشيدن و لمس كردنِ امور نادرست بپرهيزد ، نام «باكره» را مي‌گيرد. اما فقط اين براي باكره بودن كافي نيست. هر شخصي بايد يك مشعل داشته باشد كه علامت كارهاي نيك است. اگرچه باكره‌هاي عاقل و نادان هر دو چراغ داشتند، تنها باكره‌هاي عاقل روغن داشتند كه مظهر محبت است و بر اساس اول قرنتيان 13، بهترين راه مي‌باشد.

2) مارتين لوتر (1483ـ1546). مثل را اينگونه تفسير مي‌كند. پنج باكرة نادان رد شدند، اما نه به اين دليل كه خدمت نكردند، بلكه براي اينكه آنان بدون روغن كه مظهر فيض خدا است، خـدمت كردنـد. آنـان بر اساس قدرت خود و نه به‌واسطه فيض خدا خدمت كردند. آنان طالب جلال خود بودند، نه جلال خدا!

3) ريچارد سي. تِرِنچ (1807-1886) مثل را به اين شرح تفسير مي‌كند. چـراغ مظهـر امـور صـرفاً ظاهري در زندگي مسيحي مي‌باشد، در حاليكه روغن مظهر آن چيزي است كـه دروني و روحـاني اسـت. بنابراين، در كتاب روميان، چراغ نماد اعمال شريعت است و روغن نماد ايماني است كه نجـات مي‌بخشـد يا عادل مي‌نمايد . اما در كتاب يعقوب، چـراغ نمـاد اعـتراف صـوري ايمـان اسـت در حاليكـه روغن نمـاد اعمالي است كه نتيجة ايمان حقيقي مي‌باشد. همه اين تفاسير تمثيلي را بايد رد كرد.

ب) ده باكره از جزئيات مربوط مي‌باشد زيرا عيسي ملكوت خدا را با آنان مقايسه مي‌كند! آنان مظهر مسيحيان واقعي و مسيحيان غيرواقعي (اسمي) مي‌باشند كـه هنـوز در دنيـاي حاضـر، در كنـار هم زندگي مي‌كنند. در حاليكه مسيحيان اسمي نه هشيار و نه آماده هستند، مسيحيان واقعي هشـيار و آمـاده براي بازگشت عيسي مسيح مي‌باشـند! عـدد ده يـك عـدد كامـل اسـت، امـا چـون عيسـي آن را توضـيح نمي‌دهد، نمي‌توان ثابت كرد كه نمايانگر عدد كامل مسيحياني است كه در روي زمين زندگي كرده‌اند.

ج) مشعل‌ها. عيسي به چراغها معناي خاصي اطلاق نمي‌كند. چراغها وسايلي مجهز به مخازن روغن و فتيله بودند. در طول مراسم، اين چراغها مانند مشعل بوسيله تيركهاي چوبي بالا نگه داشته مي‌شد.

د) روغن. عيسي دربارة معناي نمادين روغن توضيحي نمي‌دهد. بنابراين نبايد هيچگونه تفسير يا تمثيلي براي آن به‌كار بريم. از روغن براي تدهين پادشاه جديـد و به‌عنـوان يـك دارو بـراي تسـكين زخمهـا استفاده مي‌شد. اگر روغن معناي نمادين ندارد در آن صورت بر اساس اشعيا 61:1، مي‌توانـد اشـاره بـه تدهين بوسيله روح‌القدس باشد كه از طريق دگرگوني و قدرت بخشيدن او، قوم خدا براي استقبال داماد، يعني عيسي مسيح آماده مي‌گردند. مسيحيان واقعي (آناني كه تولدتازه يافته‌انـد) بـراي بازگشـت مسـيح آماده خواهند شد، در حالي كه مسيحيان اسـمي و ظـاهري (آنـاني كـه تولـدتازه نيافته‌انـد) خـود را بـراي بازگشت مسيح آماده نمي‌نمايند (زكريا 4:1ـ6؛ يوحنا 3:3 و 5؛ دوم تسالونيكيان 2:13).

ه) پنج دختر نادان و پنج دختر دانا. اين از جزئيات بسيار مربوط است. همة ده دختر (باكره) پيش از اينكه روز ديگري فرا برسد، منتظر آمدن داماد بودند، اما هيچ كدام از آنان، زمان آمدن او را نمي‌دانسـت. همه آنان چراغ داشتند و مشتاقانه در انتظار شركت در جشن عروسي بودند. همه ايشان در داخـل خانـه كه نور خودش را داشت، منتظر بودند. همگي خواب‌آلود شدند و به خـواب رفتنـد. امـا تفـاوت اصـلي بين ايشان اين بود كه فقط پنج نفر از آنان عاقل بودند. ايشان براي آمدن داماد آماده شده بودند. آنان با خود روغن برداشته بودند. پنج نفر ديگر نادان بودند، زيرا ايشان كاملاً براي ملاقات دامـاد آمـاده نبودنـد ! آنـان چراغ داشته، اما به همراه آن روغن برنداشته بودند. ايشان بي دقت، فاقـد آينـده‌نگري، گناهكـار بـه دليـل غفلتي بي‌دليل و نابخشودني، كوته‌نظر و بي‌فكر بودند!

و) خواب‌آلود شدن (پينكي زدن) و به خواب رفتن. واضح است كه آن ده باكره درخانه‌اي كه به آنجا آمده بودند، به خواب رفتند و نه بيرون از خانه، بر سر راه آمدن دامـاد، چـرا كـه آنـان بعـد از فريـادي كـه بيدارشان كرد، فقط بيرون رفتند. پنج باكره دانا به استقبال داماد بيرون رفتند، در حاليكه پنج باكره نـادان رفتند تا روغن بخرند. اين وسوسه‌كننده است كه موضوع را تمثيلي كنيم و بگوييم كه اين بيداري كليسـاي مسيحي را نشان مي‌دهد. با وجود اين، عيسي به اين جزئيات معناي خاصي اطلاق نمي‌كند. علاوه بر اين، توضيح يا كاربرد او در پايان مثل به جهت ديگري اشاره مي‌كند، نه به بيـداري كليسـاي مسـيحي، بلكـه بـه آمادگي مسيحيان . همه باكره‌هاي دانا و هم نادان به خواب رفتند. تنهـا باكره‌هـاي عـاقل، مي‌تواننـد بـدون ترس به خواب بروند، چرا كه آماده هستند! باكره‌هاي نادان در يك امنيت كـاذب زنـدگي مي‌كننـد. ايشـان فكر مي‌كنند كه براي روحشان به قدر كفايت كار كرده‌اند، يا فكر مي‌كنند كـه زمـان مداخلـه الهي بـه اين زودي فرا نخواهد رسيد، يا فكر مي‌كنند كه هميشه وقت كافي براي عوض كردن و جبران فرصـت‌هاي از دست‌رفته در زندگي را خواهند داشت. آنان چقدر نادانند!

ز) در نصف شب صدايي بلند شد كه « اينك داماد مي‌آيد به استقبال وي بشتابيد!» اين فرياد، هر شخص هشياري را تكان مي‌دهد. عيسي نمي‌فرمايد كه چه كسي فرياد زد. اين كار مي‌تواند بوسـيله يكي از ميهمانان منتظر كه بيدار مانده بـود، انجـام شـده باشـد يـا بوسـيله يكي از مـردان جـوان كـه دامـاد را همراهي مي‌كرد. با وجود اين، به‌نظر مي‌رسد كه داماد هنوز فاصله نسبتاً زيـادي از آن خانـه داشـت، چـرا كه دختران در ابتدا مي‌بايد فتيله چراغهاي خود را پاك سازند، چراغهايشان را روشن كنند و فاصله‌اي را در تاريكي شب براي استقبال از داماد طي كنند. اين جزو جزئيات مربوط است چرا كه بازگشت مسيح قبل از اينكه او عملاً بيايد زمان بيشتري بطور مي‌انجامد. همچنين از جزئيات مربـوط مي‌باشـد زيـرا بازگشـت مسيح كاملاً غير منتظره خواهد بود!

ح) باكره‌ها چراغها را روشن كردند، اما چراغهاي باكره‌هاي نادان خاموش شد. اين جزء توضيح داده نمي‌شود، اما نكته اصلي يا درس اصلي آماده بودن را تقويت مي‌كند. با فريادِ نيمه‌شب همه باكره‌ها بيدار شدند، چراغهايشان را آماده ساختند و روشن كردند. فتيله‌اي كه هنوز بطور كامل خشك نشده، مي‌تواند براي چندين ثانيه روشن بماند. اما بدون روغن در مخزن، چراغ خيلي زود شروع به خاموش شدن مي‌كند. در اين زمان، باكره‌هاي نادان پي بردند كه هيچ روغني ندارند. آنان پي بردند كه هيچ آمادگي ندارند! ايشان با اندوه از باكره‌هاي دانا تقاضا كردند كه مقداري روغن به آنان بدهند.

ط) باكره‌هاي دانا از دادن روغن به باكره‌هاي نادان امتناع ورزيدند. اين قسمت توضيح داده نمي‌شود، اما نكته يا پيام اصلي در زمينة نادان يا دانا بودن را تقويت مي‌كند. دختران دانا از دادن مقداري از روغن خود به دختران نادان امتناع نمودند نه به اين دليل كه سنگدل بودند، بلكه چون خودشان به همة روغن نياز داشتند. مراسم عروسي خيلي كند طي مي‌شد و فاصله نسبتاً زياد بود. نيمه‌شب بود و تاريك. دختران مجبور بودند كه به استقبال داماد بيرون بروند و سپس او را با چراغهايشان كه بايد در تمام مدّت با روشن باشد، به خانه مشايعت كنند. بنابراين، خودداري ايشان غيرمنطقي نبود. اين ثابت مي‌كرد كه آنان از قبل فكر كرده بودند و بطور كامل براي وظيفه شان آماده بودند. دختران نادان بايد خودشان مي‌فهميدند كه تلاش براي خريد روغن در نيمه شب از فروشندگان، تلاشي كاملاً بيهوده و بي‌ثمر است. ديگر براي دختران نادان خيلي دير بود كه آماده شوند!

ي) در بسته شد. اين مخالف واقعيت بود، چرا كه دامادها معمولاً چنين دختراني را محروم نمي‌كنند. اما اين يك مثل است، داستاني با يك پيام خاص (آسماني) و بنابراين بستن در خيلي واقعي است. اين از جزئيات مربوط است، چرا كه زماني خواهد رسيد كه درِ ملكوت خدا قطعاً بسته خواهد شد!
پيش از بازگشت عيسي، هنوز در باز است (ر.ش. يوحنا 10:7ـ9) و هنوز زمان فيض است. از مردم دنيا هنوز دعوت مي‌شود كه براي استقبال داماد آماده شوند (مرقس 1:15 و لوقا 4: 18ـ19؛ 13: 1ـ5؛ دوم قرنتيان 6:1ـ2)، يعني اينكه توبه كنند و به عيسي مسيح ايمان بياورند. به اين روش، زندگي ايشان با روح‌القدس پر مي‌گردد (اول قرنتيان 3:16؛ افسسيان 1:13ـ14 اول تسالونيكيان 3:13؛ 5:23). خدا به دليل فيض عالي خود، از ازل ايشان را برگزيده، شناخته و از آن خود اعلام نموده است (يوحنا 10:27ــ29؛ روميان 8: 28ـ30، 11:1ـ8؛ 1پطرس 1:1ـ2).
اما پس از بازگشت مسيح، ديگر فرصتي براي تبديل شدن و نجات پيدا كردن وجود نخواهد داشت (اشعيا 61:2)! در روز داوري نهايي، عيسي مسيح هر كسي را كه هنوز تبديل نشده است، محروم خواهد ساخت. اين است چيزي كه به ايشان خواهد گفت: «من شما را نمي‌شناسم»، يعني اينكه «من شما را جزو آناني نمي‌دانم كه با خشنودي متعلق به خود به‌شمار مي‌آورم» (اول قرنتيان 8:ـ 3 دوم تيموتاؤس 2:19).

4- تشخيص پيام اصلي مثل
مقدمه: پيام اصلي مثل را مي‌توان يا در توضيح يا كاربرد مثل يافت، يا از خودِ داستان. از روشي كه خودِ عيسي براي توضيح يا كاربرد مثل به‌كار برد، مي‌توانيم پي ببريم كه مثل را چگونه بايد تفسير كنيم. هر مثل معمولاً فقط يك داستان اصلي يا يك نكتة اصلي دارد. بنابراين، نبايد در پي اين باشيم كه يك حقيقت روحاني از هر يك از جزئيات مثل بيابيم، بلكه بايد به‌دنبال درس اصلي مثل باشيم.
بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟
يادداشتها:
مثل ده باكره در متي 25:1ـ13 درباره «هشياري در ملكوت خدا» تعليم مي‌دهد. پيام اصلي مثل به شرح زير است. «مسيحيان بايد آماده بوده و هميشه هشيار و آماده براي بازگشت عيسي مسيح باشند. او ناگهاني و غير منتظره خواهد آمد. واقعه مورد انتظار در يك لحظة بسيار غيرمنتظره روي خواهد داد!» تأكيد بر شخصي كه مي‌آيد نيست، بلكه بر واقعة آمدن او مي‌باشد. اين رويداد كاملاً غيرمنتظره خواهد بود. لحظه مداخله الهي، فراخواني و داوري هميشه غير منتظره است! فقط كساني كه زندگي وقف‌شده به عيسي مسيح دارند، با او به ملكوت خدا در تجلي نهايي آن يعني آسمان جديد و زمين جديد وارد خواهند شد! اشخاصي كه آماده نيستند، يعني كساني كه قلب و زندگي خود را به عيسي مسيح تسليم نكرده‌اند، محروم خواهند شد. «هشياري و آمادگي» دو ويژگي بنيادين ملكوت خدا مي‌باشد. شهروندان واقعي ملكوت خدا كاملاً براي بازگشت عيسي مسيح آماده هستند. آنان از وضع خود راضي نمي‌باشند (بي‌خيال نيستند). ايشان در آماده شدن تأخير نمي‌كنند. اولين قدم براي آماده شدن، پذيرفتن عيسي مسيح به‌عنوان نجات‌دهنده و خداوند است. بعد از آن مسيحيان هميشه آماده و هشيار براي ملاقات عيسي مسيح در هنگام بازگشت او مي‌باشند. شهروندان ملكوت خدا مي‌دانند كه به محض اينكه عيسي مسيح بازگردد، درِ فيض بگونه‌اي غيرقابل برگشت بسته مي‌شود.
آمادگي ما زماني است كه هر لحظه آماده باشيم تا بازگشت غيرمنتظره عيسي مسيح را استقبال كنيم. آمادگي ما زماني است كه به‌هنگام بازگشت او احساس شرمساري نكنيم يا با دستهاي خالي در حضورش نايستيم.

5- مقايسة مَثَل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتاب‌مقدس

مقدمه: بعضي از مثل‌ها مشابه يكديگرند و قابل مقايسه مي‌باشند. اما حقيقت موجود در تمام مثل‌ها با حقيقتي كه در ساير قسمت‌هاي كتاب‌مقدس تعليم داده شده، يا داراي تشابه است يـا تضـاد. سـعي كنيـد مهم‌ترين قسمت‌هاي قابل مقايسه را كه ما را در تفسير مثل ياري مي‌دهند، بيابيد. هميشه تفسير مثـل را با تعليم مستقيم و واضح كتاب‌مقدس محك بزنيد.
كشف و بحث: تعليم موجود در اين قسمت‌ها را چگونه مي‌توان با تعليم موجود در مثلِ «ده باكره» مقايسه كرد؟

الف) قرائت: لوقا 13:ـ 22ـ30ـ يادداشتها: عيسي همه مردم را به ترك شرارتهايشان و پذيرفتن او به‌عنوان نجات‌دهنده ترغيب مي‌كند. ايشان بايد براي ورود به ملكوت خدا صادقانه و تمام قوت خود تلاش كنند. ايشان بايد بر عليه طبيعت گناه‌آلود خود، و دنيادوستي، و شيطان بجنگند و همچنين در برابـر راضـي بودن از وضع خود (بي‌خيالي)، مسامحه و غفلت مبارزه كنند. هر شخصي كه با اطاعت از دستور مسـيح، به تلاش و كوشش مي‌پردازد، در نهايت وارد خواهـد شـد! نجـات، گرچـه نتيجـه تلاش و كوشـش انسـاني نيست، اما خدا به انسانها فيض مي‌بخشد تا اراده‌اش را انجام دهند (افسسيان 2:ـ 8ـ9؛ فيليپيـان 2:12ـ 13).

ب) قرائت: متي 7:21ـ23:ـ 8:ـ 11ـ12؛ دوم تيموتاؤس 2:19ـ يادداشتها: عيسي به انسانها هشدار مي‌دهد كه مشاركت و همكاري با كليسا يا فعاليت‌هاي مسيحي ضامن ورود به ملكوت خـدا نيسـت. آنچـه مهم است اين است كه شخص در اثر كار مسيح در درونش، تولد تازه بيابد. آنچه مهم است اين است كه مسيح او را براي شاگردي فرا خوانده و او را به‌عنوان فرزندش بشناسد.

6- خلاصة تعاليم اصلي مثل
بحث: تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل چيست؟ عيسي مي‌خواهد چه چيزي را بدانيم يا به آن ايمان بياوريم؟ او مي‌خواهد كه ما چه باشيم يا چه بكنيم؟
يادداشتها:

الف) همه مردم بايد بدانند كه خدا يا عيسي مسيح چگونه است. بازگشت عيسي مسيح ناگهاني و غيرمنتظره خواهد بود. پيشگوييهاي مسيح در ارتباط با وقايعي كه در دورة بين ظهور و بازگشت وي روي خواهد داد، به يقين عملي خواهد گرديد. اين حقيقت بايـد مسـيحيان را تـرغيب نمايـد كـه بـراي بازگشـت مسيح، مراقب و آماده باشند.

ب) مسيحيان بايد بدانند كه چگونه بايد باشند. مسيحيان بايد هميشه براي بازگشت عيسي مسيح تدارك ديده و آماده باشند. او ناگهان و غيرمنتظره خواهد آمد. تنها اشخاصي كه زندگي‌شان را بـه عيسـي مسيح وقف مي‌كنند همراه با او به ملكوت خدا در ظهور نهايي آن يعني آسمان جديـد و زمين جديـد، وارد خواهند شد. اشخاصي كه آماده نيستند، يعني كساني كه قلب و زندگي خـود را بـه عيسـي مسـيح تسـليم نكرده‌اند، محروم خواهند گرديد!

ج) مسيحيان واقعي و غيرواقعي (اسمي، ظاهري) هم شبيه‌اند و هم متفاوت. همة اشخاصي كه اقرار به ايمان به عيسي مسيح مي‌كنند، در بسياري از جهات شـبيه مي‌باشـند. هـر دو در مسـير ملاقـات دامـاد يعني عيسي مسيح مي‌باشند. با وجود اين، فقط بعضي از مسيحيان دانا هستند. ايشان از زنـدگي گذشـته خود بسوي عيسي مسيح برگشته، به او به‌عنوان خداوند و نجات دهنـده ايمـان مي‌آورنـد. ايشـان متقاعـد گشته‌اند كه نياز دارنـد از طريـق داشـتن زنـدگي‌اي بـر اسـاس اعتمـاد و اطـاعت از تعـاليم مسـيح بـراي بازگشت او آماده شوند. اما بقيه مسيحيان نادان هستند. اگرچـه ايشـان امكـان دارد در هـر نـوع فعـاليت مسيحي از قبيل رفتن به كليسا، خواندن كتاب‌مقدس، سرود خوانـدن، دعـا كـردن، اقـرار بـه ايمانشـان و حتي موعظه بنام مسيح شركت كنند، اما باز از ملكوت خدا محروم خواهنـد بـود. چـرا؟ بـه اين دليـل كـه عيسي مسيح به آنان خواهد گفت: «من شما را نمي‌شناسم!» بنابراين مهم‌ترين چـيز اين نيسـت كـه آيـا شما در همه فعاليت‌هاي مسيحي شركت مي‌كنيد، بلكه آيـا عيسـي مسـيح شـما را بـراي شـاگردي (لوقـا 9:57ـ62) دعوت كرده است و شما را شخصاً مي‌شناسد (يوحنا 10:27ـ28)! عيسي به‌هنگام بازگشـت خود همة اشخاصي را كه هنوز بطور كامل تبديل نشده‌اند، يعني كساني كـه تولـد تـازه نيافته‌انـد، محـروم خواهد ساخت (يوحنا 1:12ـ13:ـ 3:3 و 5 و 16 و 18 و 36). او آنان را با خشنودي جـزو دعوت‌شـدگان به‌شمار نخواهد آورد. چنين اشخاصـي صـورت و ظـاهر دينـداري دارنـد، امـا قـوت دينـدار بـودن را انكـار مي‌نمايند (متي 7:21ـ23؛ دوم تيموتاؤس 3:5). ايشان بدون اينكه آماده باشند، بسوي آينده و به ملاقات داور خود مي‌روند.

د) يك دوره زمان طولاني بين ظهور و بازگشت مسيح وجود خواهد داشت. اگر چه بعضي از مسيحيان در طول قرنها در انتظار بازگشت قريب‌الوقوع مسيح بوده‌اند، اما خود مسيح گفت كه بازگشت او بطول خواهد انجاميد. در طي آن زمان طولاني، جفا وجود خواهد داشت، انجيل بـه هـر قـومي در دنيـا موعظه خواهد شد و مسيحيان قنطارهاي خود را به‌كار خواهند گرفت.

ه) بازگشت مسيح ناگهاني، غير منتظره، قابل شنيدن و ديدن خواهد بود. بازگشتي پنهان و رازگونه وجود نخواهد داشت. گرچه بازگشت عيسي مسيح ناگهاني و غير منتظره خواهد بود (لوقا 12:40؛ اول تسالونيكيان 5:1ـ4؛ دوم پطرس 3:10؛ مكاشفه 3:3؛ 16:15)، اما براي همه انسانها قابل شنيدن و ديدن خواهد بود (متي 24:30ـ31؛ 25:6؛ 26:64؛ اول تسالونيكيان 4:16؛ مكاشفه 1:7).

و) آمادگي قابل انتقال از شخصي به شخص ديگر نمي‌باشد. مسيحيان دانا نمي‌توانند آمادگي خود را به مسيحيان نادان انتقال دهند. هر فردي شخصاً مسؤول گناهان خود مي‌باشد (ارميا 31:29ـ30 و حزقيال 18). هر فردي شخصاً مسؤول تبديل شدن و ايمان داشتن به انجيل خواهد بود (مرقس 1:15؛ لوقا 13:1ـ5). بطور خلاصه، اين بدين معناست كه هر فردي، شخصاً مسؤول است كه براي بازگشت عيسي مسيح تدارك ديده و آماده باشد (متي 25:7ـ9 و مزمور 49:7؛ امثال 9:12).

ز) هيچ فرصت دوباره‌اي براي اشخاصي كه آماده نيستند، وجود نخواهد داشت. براي كساني كه آماده نيستند، اشخاصي كه قبل از مرگ نجات نيافته‌اند، همچنين اشخاصي كه به‌هنگام بازگشت مسيح نجات نيافته‌اند، هرگز فرصت ديگري براي نجات يافتن وجود نخواهد داشت (متي 25:10ـ12؛ 10:32ـ33؛ 24:37ـ42؛ 25:34ـ46؛ دوم قرنتيان 5:9ـ10؛ غلاطيان 6:7ـ8؛ دوم تسالونيكيان 1: 8ـ9).

ح) هشياري و بيداري براي همه مسيحيان ضروري است. چون زمان بازگشت عيسي مسيح كاملاً نامعلوم است، همه مسيحيان نياز دارند كه هميشه هشيار و آماده باشند (متي 25:1 و 13؛ امثال 27:1؛ دوم قرنتيان 6:2؛ دوم پطرس 1:5ـ11).

5 دعا (8 دقيقه)

دعاي واكنشي

در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.

يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)

براي جلسه بعد

(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).

- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه مثل «ده باكره» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از دانيال 7ـ 8ـ 9ـ 12 بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: آيه جديد كتاب‌مقدس (روميان 13:14) را مورد تعمق قرار دهيد و حفظ كنيد. هر روز 5 آيه حفظي آخر را مرور كنيد.
- آمادگي: مطالعة كتاب‌مقدس از روميان 1:15ـ33. از روش «پنج گام» استفاده كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.